

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها

جابر بابایی^۱

چکیده:

سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان یکی از سیاست جنایی در دهه اخیر رشد و توسعه فراوانی یافته است. یکی از ارکان این سیاست جنایی که آن را از سایر انواع سیاست جنایی متمایز می‌کند، مشارکت است، که به‌معنی گشوده شدن درهای نظام عدالت کیفری به‌روی جامعه مدنی و نهادهای آن است. از جمله نهادهای مدنی مؤثر و فعال در این زمینه، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که ساختار مخصوص به خود را دارند و از همکاری و همدلی داوطلبانه افراد جامعه در جهت نیل به هدف یا اهداف از پیش تعیین شده تأسیس می‌شوند. ولی آنچه در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است، تعیین و شناخت مفهوم مشارکت و ایجاد ارتباطی منسجم، سازنده و واقعی بین نهادهای مدنی از یک‌سو و نهادهای دستگاه عدالت کیفری از سوی دیگر است.

میزان و نحوه مشارکت نهادهای مدنی و افراد جامعه با دستگاه عدالت کیفری و برعکس، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و نظام سیاسی حاکم بر آن جامعه دارد. در کشور عزیزمان ایران نیز همین امر صادق است. عوامل فوق در توسعه‌نیافتگی (و نه توسعه‌یافتگی) فرهنگ مشارکت - چه در بین نهادهای مدنی و افراد جامعه و چه در بین سیاست‌گذاران سیاست جنایی کشورها - تأثیرگذار است.

پلیس، به‌عنوان یکی از نهادهای دستگاه عدالت کیفری، از این امر مستثنی نیست و کنکاش در مفهوم مشارکت و مقایسه آن با آنچه در عمل از سوی پلیس‌ها اتفاق

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده علوم قضایی.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگیری ناجا مجاز می‌باشد

می‌افتد، عدم شکل‌گیری و عدم جایگاه‌سازی مشارکت واقعی را در برنامه‌های پلیس نشان می‌دهد. در این مقاله سعی بر آن داریم که راه‌های توسعه فرهنگ مشارکت را در سیاست جنایی ایران - به‌طور کلی - و اقدامات پلیس - به‌طور خاص - برشماریم و ویژگی‌های مشارکت واقعی را بیان کنیم.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، مشارکت، سازمان‌های مردم‌نهاد، پیشگیری از جرم، توسعه فرهنگ مشارکت.

مقدمه

رویکردهای مبتنی بر مشارکت جامعه مدنی و نهادهای مردمی در سیاست جنایی بعد از جنگ جهانی دوم و از بین رفتن حکومت‌های نازیسم آلمان و فاشیسم ایتالیا و در پی گرایش‌های سیاسی دموکرات به وجود آمد و رشد یافت و اکنون به درجه‌ای رسیده است که سیاست جنایی مشارکتی تقریباً در تمامی کشورهای جهان اول و در-حال‌توسعه، در حال اجراست. کشورهای جهان سوم نیز تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد و حمایت‌های این سازمان، در حال بسترسازی برای مشارکت مردم در سیاست جنایی خویش هستند.

ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه چندی است که در برنامه‌های سیاست جنایی خویش جامعه مدنی را وارد عمل کرده است. هرچند قبل از انقلاب با شکل‌گیری محاکم صلح، پایه‌های سیاست جنایی مشارکتی پی‌ریزی شده بود، ولی بعد از انقلاب با حذف این نهادها عملاً نظام عدالت کیفری به‌صورت متمرکز و بدون مشارکت جامعه مدنی اداره می‌شد. اخیراً با تأسیس شوراهای حل اختلاف، تا حدودی جامعه مدنی به مشارکت طلبیده شده است.

در این میان پلیس نیز به‌عنوان یکی از نهادهای نظام عدالت کیفری سعی در مشارکتی کردن برنامه‌های خود دارد، ولی این‌که تا چه اندازه مشارکت واقعی بین پلیس و جامعه مدنی وجود دارد، موضوعی است که در این مقاله، هر چند مختصر، سعی در بررسی آن داریم و می‌خواهیم به این سؤالات پاسخ دهیم که:

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۰۹

برنامه‌ها و پروژه‌های مشارکتی پلیس تا چه اندازه با مفهوم واقعی مشارکت مطابقت دارد؟

آیا شعار پلیس مردمی با مفهوم واقعی مردمی بودن پلیس انطباق دارد؟

مبحث اول - سیاست جنایی مشارکتی

یافته‌های تحقیقات صورت گرفته در زمینه حقوق کیفری نشانگر این است که جوامع بشری همیشه در جهت پیشگیری از وقوع جرم و به عبارتی دقیق‌تر در زمینه جلوگیری از بزه‌دیدگی، تدابیر زیادی را اندیشیده بودند که معمول‌ترین آن‌ها از طریق ارباب و تهدید به مجازات بوده است.

جوامع انسانی در سیر تکاملی خود با مشاهده ناکارآمدی و بازدهی کم نظام عدالت کیفری متمرکز و در پی آن مطرح کردن سیاست جنایی مشارکتی، وارد عرصه جدید از گستره پیشگیری از جرم شدند. اولین نشانه‌های توجه به جامعه در مورد پیشگیری از جرم، در اندیشه‌های سزار بکاریا و سپس انریکو فری ظهور پیدا کرد (رستمی، ۱۳۸۴، ۳۹). البته ابتکار این دو نفر در توجه به جامعه نه به‌منظور مشارکت دادن جامعه مدنی در امر پیشگیری از جرم، بلکه به‌قصد توجه به عوامل اجتماعی جرم و مبارزه با آن‌ها از طریق اقدامات لازم در جامعه، بود. با این حال رشد و توسعه جرم‌شناسی موجب شد که دیدگاه‌ها به‌سمت جامعه مدنی و مشارکت دادن آن در امر پیشگیری از جرم و به‌طور کلی سیاست جنایی معطوف شود. امروزه رویکردهای جدید پیشگیری از جرم - همچون پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی و رویکردهای تلفیقی این دو^۱ مشارکتی کامل را فراهم کرده است.

ژرژ پیکا، جرم‌شناس فرانسوی، در خصوص توجه به جامعه مدنی و مشارکت دادن آن در امر پیشگیری از جرم می‌گوید: «اگر عدالت کیفری هرگز قادر به مهار کردن تبهکاری به‌صورت رضایت‌بخشی نبوده است، باید گفت که انجام این مأموریت

^۱ همچون پیشگیری چندعاملی و چندمحلی.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

بیش از پیش دشوار است. عدم تناسب نظام کیفری با وظایف محول به آن امری واقعی است؛ بار مأموریت این نظام بی اندازه زیاد شده و در نتیجه کارآیی آن مورد تردید قرار گرفته است. بنابراین وجود یک مرحله (نهاد) کمکی در جوار عدالت کیفری ضروری به نظر می رسد. در همین جاست که پیشگیری اجتماعی می تواند زمینه خوبی بیابد» (پیکا، ۱۳۷۰، ۱۱۳).

عوامل زیادی باعث شده است که جرم شناسان این چنین بر ضرورت مشارکت جامعه مدنی و به عبارت دقیق تر بر مشارکت دادن جامعه مدنی در سیاست جنایی - به طور کلی - و در سیاست جنایی پیشگیرانه به طور خاص تأکید داشته باشند. عوامل مؤثر در این امر را چنین می توان برشمرد: (رستمی، ۱۳۸۴، ۱۴-۱۶)

۱. **علل و عوامل اقتصادی - اجتماعی:** یعنی بالا بودن هزینه های عدالت کیفری سنتی و بازدهی کم آن و در کنار آن بی اعتمادی و عدم اطمینان مردم به نظام عدالت کیفری و در نتیجه موضع عمودی و از بالا به پایین بودن نظام عدالت کیفری و جدایی و فاصله عمیق بین این دو.

۲. **علل و عوامل جرم شناسی و تحولات حقوق کیفری:** هم زمان با احراز عدم کارآیی نظام عدالت کیفری و در نتیجه تحولات حقوق کیفری و شکل گیری جرم شناسی دقیق، جرم شناسان به این نتیجه رسیدند که نظام عدالت کیفری سنتی - چه نوع سزادهی^۱ و چه نوع بازپرورانه^۲ آن - به تنهایی نمی تواند در امر پیشگیری موفق باشد و باید جامعه مدنی به عنوان نیروی بی پایان و کم هزینه و در عین حال مؤثر، به مشارکت طلبیده شود.

۳. **علل و عوامل سیاسی:** هم زمان با شکل گیری نظام های سیاسی جدید بعد از پایان جنگ جهانی دوم و مشارکت روزافزون مردم در عرصه های سیاسی و ایجاد

¹ Retributive.

² Rehabilitative.

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۱۱

جوامع دموکراتیک، دولت‌هایی که به‌نوعی از دل مردم بیرون آمدند، از مشارکت جامعه مدنی در عرصه مبارزه با جرم نیز استفاده کردند. از این‌روست که دولت‌ها هر قدر مردمی‌تر باشند و قدرت را مال مردم بدانند، به‌همان اندازه سیاست تمرکززدایانه آن‌ها بیشتر شده و عرصه‌های مشارکتی بین دولت و مردم بیشتر خواهد بود؛ از جمله در سیاست جنایی و پیشگیری از جرم.

سیاست جنایی مشارکتی همانند سایر سیاست‌هایی که دولت‌ها در پیشبرد اهداف خود در زمینه‌های مختلف - از قبیل عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... - دارند، دارای ارکان و ساختاری است که بدون شکل‌گیری و تحقق آن ارکان، مسلماً سیاست جنایی مشارکتی به‌معنای واقعی خود، محقق نخواهد شد.

رکن اساسی سیاست جنایی مشارکتی که آن را از دیگر سیاست‌های جنایی متمایز می‌کند، مشارکت است. مشارکت مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که نوع و ساختار سیاسی جوامع، تأثیر مستقیمی ابتدا در پیدایش و سپس در حدود و ثغور آن ندارد. از این‌رو در دولت‌های اقتدارگرا، به‌دلیل ساختار سیاسی متمرکز آنان، اصلاً مفهوم مشارکت معنا پیدا نمی‌کند.

الف - مفهوم مشارکت

از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی^۱، سهیم شدن^۲، مسئولیت‌پذیری^۳، تقسیم کار^۴ ارائه شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. با این حال، با وجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد

1. Collaboration.

2. Sharing.

3. Sponsorship.

4. Division.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند (سعیدی، ۱۳۸۲، ۹).

ساموئل پل^۱ از جمله افرادی است که تعریفی مرتبط با توسعه محلی از مشارکت ارائه کرده است. از نظر وی مشارکت محلی^۲ فرآیندی است فعال که در آن بهره‌مندان، به جای آن‌که صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، بر جهت‌گیری و اجرای پروژه تأثیر می‌گذارند (همان، ۱۰). وی برای مشارکت اهداف زیر را قائل شده است:

۱. مشارکت در هزینه‌ها؛
 ۲. افزایش کارایی و اثربخشی پروژه؛
 ۳. توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های آگاهی‌بخش؛
 ۴. افزایش اختیار (تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد) (همان، ۱۰).
- عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگریسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «مشارکت عبارت‌است از حساس‌سازی مردم و درنهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آن‌ها با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته».

ب- ارکان مشارکت

فعالیت‌های مشارکتی سه شاخص و ویژگی اساسی دارند که آن‌ها را از فعالیت‌های غیرمشارکتی متمایز می‌کند که گاهی به این شاخص‌ها ارکان مشارکت می‌گویند. این شاخص‌ها عبارتند از:

^۱. Samuel paul.

^۲. Community participation.

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۱۳

۱. داوطلبانه بودن؛

۲. آگاهانه بودن، بدین معنا که فعالان مشارکتی نسبت به موضوعی که به دلیل آن دور هم جمع شده‌اند اطلاع و شناخت داشته باشند؛

۳. مسئولیت‌پذیری، یعنی فعالان مشارکت باید در قبال فعل خود و نتایج آن مسئول باشند.

ج- کارکردهای مشارکت

کورت اوین^۱ اندیشمند آلمانی معتقد است که: «مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و نوآوری می‌کاهد و بر سازگاری آن‌ها می‌افزاید. در عرصه‌هایی که مشارکت جاری است تعارضات و اختلاف نظرها جای خود را به همکاری و حرکت در جهت یکسان‌سازی اهداف می‌دهد. تحقیقات نشان داده است که هر قدر مردم در امری مشارکت کنند و فرصت این را بیابند که افکار و اندیشه‌های خود را بیان کنند و در تصمیمی که بر سرنوشت آن‌ها تأثیر می‌گذارد شریک شوند، خلاقانه‌تر و با احساس مسئولیت بیشتری تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند (همان، ۱۲-۱۳). برخی از آثار مشارکت را می‌توان چنین برشمرد:

۱. مشارکت احساس وابستگی و علاقه‌مندی را تقویت می‌کند، اصولاً هر قدر انسان در به‌وجود آوردن امری مشارکت کند، به‌همان اندازه در حفظ و حمایت و پشتیبانی آن مصمم‌تر خواهد بود و در برابر نتایج حاصل از آن نیز تعهد و مسئولیت بیشتری خواهد داشت؛

۲. مشارکت فقدان یا کمبود نیروی انسانی و سرمایه دولتی را جبران می‌کند. مردم به‌عنوان نیروی بی‌پایان می‌توانند دولت‌ها را در انجام پروژه و برنامه‌های خود کمک کنند.

^۱. Kurt Lewin

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگیری ناجا مجاز می‌باشد

مبحث دوم - سازمان‌های مردم‌نهاد

الف - تعریف

سازمان‌های مردم‌نهاد (غیردولتی) از نمونه بارز و شاید بارزترین مظهر مشارکت جامعه مدنی در عرصه‌های مختلف جامعه باشند. از سازمان‌های مردم‌نهاد تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله در سطح بین‌المللی گفته‌اند:

۱. سازمان‌های غیردولتی به هر سازمانی گفته می‌شود که دولت در تشکیل و کنترل آن دخالتی ندارد؛

۲. گروهی از افراد داوطلبانه ۱ و با هدف غیرانتفاعی ۲ گرد هم می‌آیند و در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی فعالیت می‌کنند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲)؛

۳. سازمان‌های غیرانتفاعی، داوطلبانه، خدمت‌گرا ۳ و توسعه‌مدار ۴ که در جهت منافع اعضا، به‌عنوان یک سازمان خودجوش، با سایر افراد جامعه به‌عنوان یک سازمان کارگزار عمل می‌کنند (کارگاه آموزشی سازمان‌های غیردولتی، ۱۹۹۸، بانکوک) (همان، ۳۸).

در سطح بین‌المللی واژه NGO برای نخستین بار در قطعنامه شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (UNESCR) در فوریه ۱۹۵۰، این‌گونه مورد استفاده قرار گرفت: «هر نوع سازمان بین‌المللی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد، سازمان غیردولتی محسوب می‌شود». از آن پس واژه NGO بر انواع متعدد سازمان‌هایی که در درون مرزهای هر کشور فعالیت می‌کنند به کار گرفته شد (سازمان ملل، ۱۹۹۲) (همان، ص ۳۹).

در سطح ملی نیز تعاریف ذیل برای سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه شده است:

1. Voluntary.
2. Non.benefit.
3. Service.oriented.
4. Development – oriented.
5. Non – governmental organization.

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۱۵

۱. انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران به‌منظور درج اسامی و اطلاعات سازمان‌های غیردولتی در بانک اطلاعات مربوط به این سازمان‌ها مقرر کرده است که: «سازمان‌های غیردولتی و تشکل مردمی سازمانی است که: ۱. دارای تشکیلات و ساختار سازمانی باشد؛ ۲. غیردولتی باشد؛ ۳ غیرانتفاعی باشد؛ ۴. پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؛ ۵. داوطلبانه باشد (انجمن تنظیم خانواده، ۱۳۷۹، ۶).

۲. سازمان‌های غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی به‌صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی باشد (روزنامه رسمی، ۱۳۸۱، ۱۳۰۹) (بند الف - ماده یک آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ هیئت وزیران).

با وجود اختلافات ذکرشده، به نظر می‌رسد که تمامی این تعاریف دارای نقاط مشترکی هستند که می‌توان گفت این نقاط اساس و شالوده سازمان‌های غیردولتی را تشکیل می‌دهند. نقاط مذکور عبارتند از: ۱. غیردولتی بودن؛ ۲. غیرانتفاعی بودن؛ ۳. داوطلبانه بودن؛ ۴. برخورداری از شخصیت حقوقی (سعیدی، ۱۳۸۲، ۴۶-۴۷).

ب- کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد با هر اسم و عنوان و هدفی که تأسیس شده باشند عمدتاً (مستقیم یا غیرمستقیم) دارای دو کارکرد آموزشی و یا حمایتی هستند. کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد قابلیت‌هایی است که می‌تواند پلیس را در جهت پیشگیری از جرم یاری برساند. به‌عبارت دیگر نقطه تلاقی سازمان‌های مردم‌نهاد و اقدامات پلیس در جهت پیشگیری از جرم، در کارکردهای این سازمان نهفته است.

۱. کارکرد آموزشی

یکی از کارکردهای اساسی سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت‌های آموزشی است بخش عمده‌ای از سازمان‌های مذکور تحت عناوینی چون انجمن‌های علمی، فرهنگی، هنری، آموزشی و... در جهت نیل و جامه عمل پوشاندن به این کارکرد، فعالیت می‌کنند

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

و یا به عبارتی دقیق‌تر کارکرد آموزشی سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالیت‌های سازمان‌های مذکور را جهت‌دهی می‌کند. حتی سازمان‌هایی که در زمینه‌های رفاهی و حمایتی فعالیت می‌کنند (مانند انجمن حمایت از کودکان، خانواده و زنان) به فعالیت‌های آموزشی نیز مشغول هستند (رستمی، ۱۳۸۴، ۱۱۹)؛ که این خود دلیلی بر مدعای ما مبنی بر اساسی بودن کارکرد آموزشی سازمان‌های مردم‌نهاد است.

۲. کارکرد حمایتی

سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار کارکرد آموزشی خود، کارکرد حمایتی نیز دارند که می‌توان گفت در ایران بیشترین فعالیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه این کارکرد است (همان، ۱۳۳).

سازمان‌های مردم‌نهاد سنتی (تشکل‌های مردمی) بیشتر از سازمان‌های مردم‌نهاد مدرن در این زمینه فعالیت دارند و حتی می‌توان گفت که اساس شکل‌گیری این سازمان‌ها برای اجرای کارکرد حمایتی است. متأسفانه این سازمان‌ها با تأکید صرف بر حمایت مادی، باعث وابستگی زیاد و دور شدن از فعالیت‌های مفید و سازنده مددجویان و افراد تحت حمایت خویش می‌شوند. در مقابل، سازمان‌های مردم‌نهاد مدرن بیشتر بر فعالیت‌های توسعه‌مدار تمرکز دارند؛ به طوری که از طریق حمایت‌هایی که انجام می‌دهند، مددجویان خود را وارد عرصه فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی مفید و سازنده می‌کنند؛ مثلاً با آموزش حرفه و فنون و ارائه کمک‌های مالی آن‌ها را وارد عرصه تولید می‌کنند که این امر در درازمدت موجب پیشگیری پایدار از جرم می‌شود.

ج - پیشگیری از جرم از طریق کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد

نخستین گام در جهت پیشگیری از مجرمیت را چنین عنوان کرده‌اند: «آموزش، تعلیم و تفهیم مفاهیمی از قبیل خوب - بد، باید - نباید، روا - ناروا، حق - ناحق، صحیح - باطل و نیز انذار از عواقب و تبعات بدکاری و تبشیر به پاداش‌های نیکوکاری اولین عامل هنجارمندی رفتار انسان به شمار می‌آید» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷). همه این‌ها از طریق آموزش محقق خواهد شد. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با

هرگونه استاده از این مطالب نظر با ذکر نام و قمر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۱۷

اتخاذ رویه‌های پیشگیرانه نسبت به جرم از طریق کارکرد آموزشی خویش - البته در تعاملی منسجم، هماهنگ و هدفمند با ارکان نظام عدالت کیفری از جمله پلیس - نخستین و مهم‌ترین گام را در جهت اجرای سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه بردارند.

علاوه بر آموزش، پیشگیری از جرم وابسته به فراهم بودن نیازهای طبیعی و مشروع شهروندان نیز هست (همان، ۲۱۸). به عبارتی اگر بخواهیم در زمینه پیشگیری از جرم موفق باشیم و بتوانیم به صورت پایدار روند روبه‌رشد میزان بزهکاری را متوقف کرده و در جهت عکس‌منحنی صعودی آمار بزهکاری حرکت کنیم، علاوه بر آموزش، ناچار از توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و تهیه نیازهای منطقی و مشروع شهروندان هستیم و این‌جاست که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با کارکرد حمایتی خویش در جهت نیل به این هدف، بازوی سیاست جنایی کشور باشند. البته لازم به ذکر است صرف حمایت، برای پیشگیری پایدار از جرم کافی نیست، بلکه آموزش نیز به‌عنوان کارکرد اساسی این سازمان‌ها باید به صورت فعال در این تعامل حضور داشته باشد. همان‌طور که اشاره شد سازمان‌های مردم‌نهاد سنتی، با ساختار کنونی خویش کمتر توانسته‌اند آن‌طور که باید به صورت اثرگذار در این تعامل حضور داشته باشند؛ چراکه این سازمان‌ها با حمایت‌های مادی صرف خویش، نقشی فاقد آینده‌نگری را ایفا می‌کنند و از این طریق مددجویان خود را به افرادی وابسته، منفعل و مصرف‌کننده تبدیل می‌کنند. اما سازمان‌های مردم‌نهاد مدرن که با توجه به معیارهای بین‌المللی و با ساختاری توسعه‌مدار و مشارکت‌جویانه شکل می‌گیرند، افراد تحت حمایت خویش را وارد عرصه فعالیت‌های سازنده کرده و از آن‌ها در مسیر توسعه و پیشگیری پایدار جرم مساعدت می‌گیرند.

از اینرو به‌منظور ایفای بهتر وظایف توسط سازمان‌های مردم‌نهاد سنتی در عرصه سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیری از جرم، ناچار هستیم تحولاتی را در ساختار این سازمان‌ها که بخش بزرگ نهادهای مردمی را تشکیل می‌دهند، ایجاد کنیم.

هرگونه استاده از این مطالب نظر با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به تکمیلی ناچار مجاز می‌باشد

مبحث سوم- بررسی مفهوم مشارکت در ایران

با توجه به مفهوم مشارکت، بنا به دلایل مختلفی فرهنگ مشارکت به معنای واقعی کلمه در ایران نهادینه نشده است. هرچند باید اذعان کرد در زمینه‌های خاصی همچون اقدامات خیرخواهانه، به دلیل حاکمیت ارزش‌های دینی بر جامعه، مشارکت مردمی بالا است، اما حتی این مشارکت‌ها هم نمی‌تواند بیانگر وجود فرهنگ مشارکت واقعی در ایران باشد؛ چراکه این نوع از مشارکت‌ها اولاً نظام‌یافته و سازمانی نیستند، ثانیاً در حوزه کم‌دامنه‌ای رخ می‌دهند و قابل تسری به عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و همچنین عرصه نظام عدالت کیفری نیستند.

در توسعه نیافتگی مشارکت در عرصه سیاست جنایی در ایران موانع زیادی دخیل هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. وجود موانع ذهنی - ساختاری؛
۲. وجود نگرش ابزاری به مشارکت؛
۳. مشارکت‌پذیر نبودن ساختار نظام عدالت کیفری؛
۴. مشخص نبودن نقش و جایگاه مردم در سیاست جنایی و نحوه تعامل مردم و اجتماعات محلی با بخش‌های رسمی و دولتی؛
۵. عدم آگاهی مردم از نحوه مشارکت؛
۶. بی‌اعتمادی و نداشتن آگاهی لازم از اثرات مشارکت؛
۷. تصور عدم تأثیر در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری؛
۸. ترجیح منافع مادی و گروهی بر منافع اجتماعی و عدم توجه به مصالح همگانی.^۱

^۱ پیش‌نویس برنامه ملی پیشگیری از جرم، مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی،

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۱۹

موانع مذکور را می‌توان از دو عامل اصلی نظام سیاسی و فرهنگ، نشأت گرفته دانست و ذیل این دو عامل مورد بررسی قرار داد.

الف- علل سیاسی

آنچه امروزه در کشورهای جهان اول به‌عنوان مشارکت مطرح است، محصول سال‌ها تحولات سیاسی در این جوامع است. رشد و توسعه فرهنگ سیاسی و حرکت نظام‌های حاکم به‌سمت دموکراسی و مردم‌سالاری، باعث افزایش مشارکت‌پذیری دولت‌های حاکم شده است.

بنابراین نظام سیاسی حاکم بر یک جامعه و نوع نگاه مسئولان دولتی نسبت به مردم و توانمندی‌های آنان، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های آن کشور در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست جنایی خواهد داشت. به‌طوری‌که در یک دولت منطبق با مدل دولت اقتدارگرا، جامعه مدنی هیچ حق و اختیاری در پاسخ‌دهی به جرم و انحراف - چه به‌صورت کنشی و چه واکنشی - ندارد (لازرز، ۱۳۸۲، ۶۸) و همین موضوع در خصوص دولت‌های اقتدارگرای فراگیر نیز صادق است. ولی هرگاه نظام سیاسی به‌سمت مردم‌سالاری حرکت می‌کند (البته مردم‌سالاری در تمامی عرصه‌ها نه صرفاً عرصه سیاسی) میزان مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و به‌تبع آن مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی - به‌طور عام - و سیاست جنایی پیشگیرانه - به‌طور خاص - افزایش می‌یابد.

نظام سیاسی ایران به‌دلیل متمرکز بودن در حوزه سیاست جنایی، امکان حضور و مشارکت واقعی را برای جامعه مدنی مهیا نکرده است. آن‌جا که پای جامعه مدنی و مردم به میان کشیده شده است، صرفاً برای پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌هایی بوده است که مردم هیچ مداخله و تأثیری در شکل آن‌ها نداشته‌اند و فقط به‌عنوان ابزاری برای اجرای آن برنامه‌ها در نظر گرفته شده‌اند.

گرچه در سال‌های اخیر اقداماتی در جهت اتخاذ سیاست‌های انبساط و تمرکززدایی در زمینه عدالت کیفری صورت گرفته است (مانند تأسیس شورای حل

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

اختلاف) ولی این اقدامات برای مشارکتی قلمداد کردن سیاست جنایی ایران کافی نیست.

ب- علل فرهنگی

فرهنگ هر جامعه بر رشد و توسعه فعالیت‌های مشارکتی آن جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ به طوری که حرکت فرهنگ یک جامعه از خرده‌فرهنگ‌های محلی، قبیله‌ای و نژادی به سمت فرهنگ یکپارچه ملی، باعث می‌شود که فرهنگ مشارکت در بین جامعه رشد پیدا کند.

فرهنگ جامعه ایران به شدت تحت تأثیر فرهنگ قبیله‌ای است که تا چند دهه قبل در تمامی نواحی کشور حاکم بوده و امروز نیز علاوه بر تأثیرات آن در فرهنگ حاکم، هنوز در برخی مناطق کشور رایج است. وجود این فرهنگ، مانع اصلی مشارکت مردم ایران در برنامه‌های ملی و حتی محلی است؛ چراکه شرط اصلی و اولیه مشارکت، خارج شدن از خودمحوری و خودبینی است، درحالی که از آثار قطعی فرهنگ قبیله‌ای فردگرایی و توجه به منافع فردی و حداکثر، گروهی است، بدون این که منافع جمع و مصالح همگانی اهمیتی داشته باشد.

علاوه بر آن، پادشاهی بودن حکومت ایران از چندین هزار سال پیش تا سه دهه قبل، موجب شکل‌گیری نوعی فرهنگ شده است که به آن فرهنگ تابعیت گفته می‌شود و در مقابل فرهنگ مشارکت قرار دارد. در این نوع فرهنگ، مردم از دولت توقع دارند که تصدی‌گری و اجرای تمامی خدمات و اقدامات را بر عهده بگیرد، اعم از این که با وظایف دولت مرتبط باشد یا نباشد. در نتیجه این توقع، اندیشه لزوم مداخله و مشارکت در دستیابی به اهداف اجتماعی، رواج چندانی نمی‌یابد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد نظام سیاسی حاکم بر یک کشور و عملکرد آن، با فرهنگ جامعه در ارتباط است و تأثیر متقابلی بر هم دارند. بنابراین عجیب نیست که این نوع طرز نگاه - که برگرفته از مردم است - وجود داشته باشد و خود را مصدر تمامی خدمات و صاحب تمامی مناصب بداند.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۲۱

با توجه به آنچه اشاره شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برنامه‌ریزان سیاست جنایی ایران قبل از هر اقدامی باید زیرساخت‌های مشارکت‌پذیری را در ساختار نظام عدالت کیفری و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد کنند، که البته این امر میسر نیست جز با تعامل برنامه‌ریزی‌شده، منسجم، هماهنگ و هدفمند بین نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه.

مبحث چهارم- بررسی مشارکت پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران

با توضیحات مختصری که از مفهوم مشارکت، سیاست جنایی مشارکتی و توانمندی‌های بالقوه سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه شده، در این مبحث سعی بر آن است که به بررسی ساختار مشارکت پلیس با جامعه مدنی - از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد - پرداخته شود و با بررسی واقعیت مشارکت و مقایسه آن با مفهوم مشارکت واقعی به سؤالات مطرح‌شده و پاسخی داده شود؛ سؤالاتی نظیر این‌که آیا پلیس واقعا جامعه مدنی را در برنامه‌های خود شریک می‌داند یا صرفا به‌عنوان ابزاری برای انجام خواسته‌های خود به آن می‌نگرد؟ و به‌طور کلی آیا مشارکت واقعی بین پلیس و جامعه مدنی وجود دارد؟

آشنایی مختصر با تکنیک‌های مشارکت، ما را در جواب دادن به این سؤالات کمک خواهد کرد. اصولا برنامه‌ریزان هر پروژه و برنامه‌ای - از جمله پلیس - برای مشارکت دادن مردم در فعالیت‌های خود از تکنیک‌های خاص استفاده می‌کنند، که انتخاب و اتخاذ این تکنیک‌ها ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ جامعه، نظام سیاسی حاکم بر جامعه و نوع نگاه برنامه‌ریزان به مردم و جامعه مدنی دارد.

تکنیک‌های مشارکت را بر اساس میزان نظم و ساخت آن‌ها می‌توان به چهار قسمت تقسیم کرد (سعیدی، ۱۳۸۲، ۱۵-۱۸).

۱. تکنیک‌های سازمان‌نیافته و نامنظم

تکنیک‌هایی هستند که برای ایجاد ارتباط مستقیم بین برنامه‌ریزان و مردم مطرح شده‌اند. در این تکنیک‌ها هیچ‌گونه سازمان‌دهی منطقی در خصوص تعداد

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس به‌شکری ناجا مجاز می‌باشد

شرکت‌کنندگان، ویژگی شرکت‌کنندگان و مباحث مطرح‌شده در جلسه وجود ندارد. این تکنیک عمدتاً با هدف تبادل اطلاعات به کار گرفته می‌شود، به طوری که مردم دیدگاه‌ها و مشکلات خود را در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهند.

۲. تکنیک‌های سازمان‌یافته و منظم

با استفاد از این تکنیک‌ها برنامه‌ریزان تعداد و ویژگی‌های شرکت‌کنندگان را در کنترل دارند و شرکت‌کنندگان متناسب با نوع هدفی که وجود دارد، توسط مسئولان برنامه انتخاب می‌شوند. این تکنیک زمانی به کار می‌رود که هدف از مشارکت، آموزش یا جلب حمایت باشد.

۳. تکنیک‌های فعال

در این نوع تکنیک‌ها مردم در یک‌سری فعالیت‌های ازپیش‌تعیین‌شده، به‌طور مستقیم شرکت می‌کنند. در این روش برنامه‌ریزان بر این که چه کسانی و چه تعدادی از مردم حضور داشته باشند و همچنین چگونگی عمل مشارکت و نوع اطلاعات فراهم شده نظارت دارند.

۴. تکنیک‌های انفعالی

در این نوع تکنیک‌ها مردم هیچ ارتباط مستقیمی با برنامه‌ریزان ندارند و مشارکت از طریق شرکت در جلسات و ارتباط مستقیم با برنامه‌ریزان نیست. با دقت در برنامه‌های پلیس که در سال‌های گذشته به اجرا گذاشته شده است، ملاحظه می‌شود که در اغلب موارد تکنیک پلیس ایران در مشارکت دادن جامعه مدنی از این نوع تکنیک است؛ مگر در مرحله اجرا. در صورتی که انسان‌ها اصولاً در برنامه‌هایی مشارکت (لااقل مشارکت واقعی و دلسوزانه و متعهدانه) می‌کنند که در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آن شرکت داشته باشند و بتوانند نظرات، اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و مشکلات خود را در طرح‌ریزی برنامه دخیل قرار دهند. همان‌طور که قبلاً

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

تعامل پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم: موانع و چالش‌ها ■ ۱۲۳

هم اشاره شد، انسان‌ها به اموری که خودشان آن را ایجاد کرده باشند و یا در ایجاد آن دخالت داشته باشند پایبندتر و متعهدترند و برعکس هر قدر در فرآیند شکل‌گیری آن امور شرکت نداشته و صرفاً نظاره‌گر باشند، به همان اندازه در حفظ و نگهداری آن بی‌میل و در قبال نتایج آن غیرمسئول خواهند بود.

با دقت در مفهوم مشارکت پی خواهیم برد که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده مشارکت، شرکت کردن کنشگران مشارکت در مرحله تصمیم‌گیری است و این ایرادی به برنامه‌های پلیس - از جمله در زمینه پیشگیری از جرم - می‌باشد؛ چراکه پلیس ایران تاکنون با دید عمودی به جامعه مدنی و مردم نگریسته است؛ درحالی که پلیس بخشی از جامعه و حتی نهادی در اختیار خدمت به جامعه است و هر برنامه و پروژه‌ای را که اجرا می‌کند در جهت آسایش و امنیت جامعه مدنی است. بنابراین این حق طبیعی و مسلم جامعه مدنی، به‌عنوان موضوع اصلی برنامه‌ها و پروژه‌ها است که در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برنامه‌های پلیس مشارکت کنند، نه این‌که صرفاً در مرحله اجرا آن هم نه همیشه به کمک طلبیده شود.

حضور مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد - به‌عنوان مظهر جامعه مدنی - نتایج مثبتی برای پلیس - هم در مرحله برنامه‌ریزی و هم در مرحله اجرا - خواهد داشت؛ چراکه حضور مردم در مرحله برنامه‌ریزی باعث می‌شود که پلیس واقعیات اجتماعی را از نزدیک لمس کند و از مشکلات واقعی و پنهان مردم خبردار شود. این امر منجر می‌شود به این‌که تدابیر اتخاذی از سوی پلیس به‌جای این‌که صرفاً از ذهنیت، نوع نگاه و برداشت برنامه‌ریزان ناشی شده باشد، جنبه‌های عینی و واقعی به خود بگیرد.

در مرحله اجرا نیز اولاً مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، به‌عنوان مشوق روانی باعث می‌شود که در مرحله اجرای برنامه‌ها مردم خودشان را نسبت به بهتر اجرا شدن برنامه‌ها و نتایج حاصل از آن مسئول بدانند، ثانیاً مبتنی بودن برنامه‌های پلیس بر داده‌های عینی و واقعی باعث می‌شود که برنامه‌های مذکور به حداکثر بازدهی و موفقیت نائل شوند.

هرگونه استاده از این مطالب نظر با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگاری ناجا مجاز می‌باشد

بنابراین در عرصه پیشگیری مشارکتی از جرم مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله مشارکت دادن جامعه مدنی - از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد - مرحله تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. به‌عنوان نمونه رویکرد پیشگیری محلی از جرم که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی مثل فرانسه، بلژیک، هلند، بریتانیا و همچنین امریکا، به‌عنوان رویکرد اصلی پیشگیری از جرم به کار گرفته می‌شود، مشارکت جامعه مدنی و جامعه محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای مبتنی بر پیشگیری از جرم است.

درنهایت چنین می‌توان گفت که اگر پلیس می‌خواهد که برنامه‌های تازه و نوآورانه را در جهت پیشگیری از جرم طراحی و برنامه‌ریزی کند و در مرحله اجرا نیز بتواند آن‌ها را به‌نحو مطلوب اجرا کند و بالاخره بتواند پیشگیری پایداری را از جرم به منصفه ظهور برساند، ناگزیر است که نگاه عمودی خود را کنار گذاشته و با نگرشی افقی به جامعه مدنی بنگرد و جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد را به‌عنوان مظهر جامعه مدنی، در تمامی مراحل برنامه‌های خود به‌خصوص در مرحله تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شرکت دهد؛ چراکه مشارکت مفهومی نیست که بتوان با نگرش عمودی و حق‌به‌جانب آن را محقق کرد.

به‌طورکلی ایجاد فرهنگ مشارکت در بین اقشار مختلف جامعه، دولتمردان و سیاست‌گذاران عرصه‌های مختلف کشور - از جمله عرصه سیاست جنایی - مستلزم ایجاد تغییر و تحول، اولاً، در نوع نگاه و باور سیاست‌گذاران و ثانیاً، در طرز تلقی و باور مردم از مفهوم مشارکت است و برای تحقق آن تمامی ارکان جامعه باید در تعاملی هماهنگ، منسجم و هدفمند شرکت داشته باشند.

فهرست منابع

- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران و سمت.
- رستمی، ولی (۱۳۸۴)، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد، سمت.
- لاورژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، میزان.